

گفتگوی ادوارد سعید و رابرت سیگل

## دیدگاه سعید درباره تاریخ اسلام و جایگاه آن در فرهنگهای معاصر

برگردان: مجتبی کرباسچی

قاسم زائری

همه‌ی آن چیزهای مجرد بسیار مخوفی که در این راستا راجع به آنها و به وسیله‌ی محققان و بیشتر از آن (و شما نیز می‌دانید) آماتورها و کارشناسان تازه‌کار بیان می‌شوند؛ آنها می‌خواهند این تصور را که ما می‌توانیم اسلام را مستقیماً و به سادگی بفهمیم، القا کنند. با این حال، من فکر می‌کنم که این غیرممکن است و نوعی تحریف و آنچه در انتها از کار در می‌آید، نوعی کاریکاتور است که با «اهداف» مان سازگار است؛ اما ارتباط بسیار کمی با فهم چستی آن چیزی دارد که من اسلامهای مختلف می‌نامم.

\* این مصاحبه از متن زیر برگردان گردیده است:

Robert Siegel (2002), "Interview: Edward Said Discusses his View of Islamic History & Its Place among Today's Cultures" in All Things Considered" Washington, D.C.: Jul 31, 2002.  
1. Orientalism

**سیگل:** من رابرت سیگل هستم. بعد از حادثه‌ی ۱۱ سپتامبر بسیاری از آمریکاییها در مورد اسلام به تحقیق پرداخته‌اند. ادوارد سعید، پروفیسور ادبیات تطبیقی و زبان انگلیسی در دانشگاه کلمبیا، اعتقاد دارد که در برخی موارد سبب به موضوع سوء برداشت وجود دارد. پروفیسور سعید، فردی فلسطینی - آمریکایی است و منتقد دیرینه‌ی آن چیزی است که آن را «شرق‌شناسی»<sup>۱</sup> می‌خواند و در مورد «تاریخهای غیرممکن: چرا اسلامهای متعدد نمی‌توانند ساده‌سازی شوند؟» می‌نویسد. پروفیسور ادوارد سعید (دانشگاه کلمبیا، نویسنده «تاریخهای غیرممکن»): این تمایل وجود دارد که در مورد اسلام به مثابه یک چیز واحد فکر شود. همان گونه که می‌دانید در اینجا گرایش اسلامی به خشونت و عشق اسلامی به شهادت، جهاد و نظایر آن وجود دارد و نیز

سیگل: منظور شما از «اهداف مان» چیست که می‌گویید «با اهداف مان سازگار است»؟

سیگل: شما خود از خانواده‌ای مسیحی هستید. سعید: بله، دقیقاً. اما همان طور که می‌دانید من خود یک مسیحی نیستم. شما می‌دانید که من سکولار هستم و به نظر من، به طور کلی، در میان تمام ادیان توحیدی (که فقط سه دین توحیدی هستند)، اسلام به لحاظ تاریخی از بقیه متمسح تر بوده است. به نظر من، اگر بخواهیم دقیق صحبت کنیم، شما باید نگاهی به نشریات و برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی بیندازید که مثلاً از دنیای عرب بیرون می‌آید، تبلیغات فراوان دولتی و شبیه آن را خواهید یافت اما در برنامه‌های ماهواره‌ای تنوع عقاید بسیار بیش تر از آمریکاست. در مورد حقوق زن، مباحثاتی. شروع شده است و همان گونه که مطلع هستید چند هفته پیش گزارشی از سوی UNDP منتشر شد و گروهی از روشنفکران عرب بیانیه‌ای بسیار تند و انتقادآمیزی منتشر کردند. بنابراین خودانتقادی، وضعیتی است که در جهان عرب و جهان اسلام وجود دارد.

سیگل: قبل از ادامه بحث و قبل از اینکه مطالبی مشابه مواردی را که مطرح کردید و از نظر شما برای آگاه کردن مردم مفید خواهد بود، از شما بپرسم...

سعید: بله.

سیگل: ... درباره‌ی اسلام. می‌خواهم درباره‌ی پدیده‌ای دیگر سؤال کنم. پدیده‌ای که جزء هیچ کدام از مطالعات مطرح

سعید: بله، منظور من این است که ما از زمان حادثه و حشتناک ۱۱ سپتامبر، در حال عبور از یک بحران هستیم. هوایمان بایان، مسلمان معرفی شدند و این امر تبدیل به نمادی شد که به واسطه‌ی آن درباره‌ی جهان اسلام صحبت کنیم و در آن [همه چیز یافت می‌شود؛] همه‌ی انواع کتابهای تخصصی درباره‌ی فکر اسلام، جامعه اسلام، آنچه به خطا رفته است، چرا چنین کارهایی را انجام می‌دهند وجود دارد (همان طور که می‌دانید برای اهداف مصرفی فوری)؛ و فراموش کرده‌ایم که در مورد یک میلیارد و سیصد میلیون انسان صحبت می‌کنیم؛ این دقیقاً مثل این است که هنگام بحث از فاشیسم یا ضدیهودی‌گری یا هر کدام از ویرانیهایی که از مسیحیت ناشی شده است یا به خاطر مسئله جهان یهودیت، در مورد مشکلات مسیحیت صحبت کنیم. و چون من خود، انسانی سکولار هستم، دیدی وسیع راترجیح می‌دهم که با همه‌ی آنها (اسلام، یهودیت و مسیحیت) با تردید یکسان برخورد کند تا در آن صورت با شما صادق باشد.

سیگل: منظورتان این است که به عنوان شخصی سکولار به نویسنده‌ی می‌پردازید؟

سعید: بله.

سیگل: و به این نکته نیز توجه کنیم که شما نویسنده‌ی مسلمان سکولار نیستید.

سعید: نه.

شوخی بیش نیست، منظورم این نیست که شما چنین کاری می‌کنید، اما آنجا جایی نیست که من به دنبالش باشم. احتمالات زیادی وجود دارد.

سیگل: فرض کنید کسی می‌خواهد در تعطیلات خود در ساحل، در مورد اسلام مطالعه کند. چه چیزی را برای مطالعه

پیشنهاد می‌کنید؟

سعید: بله، به نظر من اگر کسی بخواهد درکی از مفاهیم بنیادین این دین داشته باشد که توسط دانشمندی درجه یک نوشته شده باشد، کتاب تریف فالادی<sup>۳</sup> مناسب است. نام این کتاب، «مفاهیم بنیادین اسلام کلاسیک»<sup>۴</sup> است. دومین مطلب، کتابهایی است که درباره تجربیات دقیق زنده نوشته می‌شود. بنابراین مثال کاملی از این کتابها، مخصوصاً برای مطالعه در ساحل، کتاب «سه گانه قاهره»<sup>۵</sup>، نوشته محفوظ<sup>۶</sup>، است.

سیگل: منظورتان نجیب محفوظ مصری

است؟

سعید: بله، نویسنده مصری برنده ی جایزه نوبل. این کتاب دقیقاً درباره نسل سوم خانواده‌ای است که در آن یکی از مردان جوان به بنیادگرایی اسلامی می‌پیوندند و برادرش کمونیست می‌شود. با این کتاب متوجه خواهید شد اسلام سنتی در خانواده‌ای مصری چگونه است. سومین کتاب، نوشته یک یهودی ونیزی است

محافل دانشگاهی آمریکایی و انگلو آمریکایی نیست. منظورم دریافت بسته‌ای از سفارت عربستان سعودی کمی قبل از یازدهم سپتامبر است که شامل جزوه‌ای با عنوان «همه چیز درباره اسلام»<sup>۲</sup> بود.

سعید: بله

سیگل: این جزوه توانست ساده‌سازی کند، مانند کسانی که شما به آنان برچسب شرق‌شناسی می‌زنید.

سعید: بله، دقیقاً.

سیگل: جمله‌ای که ذهن من را به خود مشغول کرده است، این جمله است که: «مسلمانان نیز مانند مسیحیان و یهودیان، به این زندگی، صرفاً جهت آمادگی برای آینده می‌نگرند.

سعید: برای آینده، بله.

سیگل: به نظر من برخی اوقات که افراد [درباره‌ی اسلام] ساده‌سازی می‌کنند، این [ساده‌سازی ناشی از] درون خود اسلام است و گر نه مردم درباره هر کس دیگر این ساده‌سازی را انجام می‌دادند.

سعید: بله دقیقاً، به نظر من هر کس می‌تواند، همان‌گونه که من به صورت حرفه‌ای انجام می‌دهم، آنها را به عنوان «خواندن» یک متن در نظر بگیرد. (همان طور که می‌دانید من مدرس ادبیات هستم). نام بردن از سفارت عربستان سعودی حتی به عنوان یک منبع احتمالی، یک

2. All About Islam 3. Tarif Faladi  
4. The Basic Concept of Classical Islam  
5. Cario Trilogy 6. Mahfouz

کشورها به دست آورد. آیا ما حق داریم به نام مخالفت با شرق شناسی مردم را از گفتن بدیهیات باز داریم؛ و به زیان مردمی که در آن جوامع اصلاح نشده‌ی سیاسی و اقتصادی زندگی می‌کنند قدم برداریم؟ سعید: بله؛ به نظر من چنین است. به عقیده من درک این مطلب مهم است که من هیچ‌گاه نمی‌گویم فقط اعراب و مسلمانان هستند که می‌توانند درباره اعراب و مسلمانان صحبت کنند. به نظر من هر کسی در مورد هر کسی می‌تواند صحبت کند. به نظر من، تخصص هر کس در آن حدی است که بتواند بخواند و تفسیر کند. بسیاری از این مفسران حتی زبان [کشورهای اسلامی] را نیز نمی‌دانند. هنوز این مسائل رخ می‌دهد که امروزه، بسیاری از روزنامه‌نگاران معروف که در مورد جهان اسلام مطلب می‌نویسند، چه برای نیویورک تایمز، چه واشنگتن پست و چه جاهای دیگر، آنها زبان را نمی‌دانند. ندانستن عربی یا ترکی یا ایرانی و یا زبانهای دیگر تا حدی پذیرفته است. بنابراین به نظر من در سطح زبان، باید تا حد ممکن صمیمی بود و این بدان معنا نیست که شما لزوماً یک بومی هستید و من فکر می‌کنم آنچه درباره‌اش صحبت می‌کنم نوعی درک همدردانه از درون و از واقعیت است و این درک برای همه مهیاست.

سیگل: پروفیسور سعید از اینکه بار دیگر هم صحبتی با ما را پذیرفتید، تشکر می‌کنم. سعید: من هم از شما متشکرم.

که به اسلام گروید و نامش محمد اسد<sup>۷</sup> بود و آخر کار در دهه ۱۹۴۰ سفیر پاکستان در سازمان ملل شد. نام کتاب او «راه مکه»<sup>۸</sup> است. و همان گونه که می‌دانید او در این کتاب، پیشینه خود را توضیح می‌دهد: آمدن از خانواده‌ی یهودی اروپایی فرهیخته و گرویدن به اسلام، به دور از هر گونه تعصب.

سیگل: اجازه دهید یک لحظه به برنامه توسعه سازمان ملل باز گردیم که شما به آن اشاره کردید... سعید: بله؛ بله.

سیگل: ... در مورد مصاحبه شما با یکی از نویسندگان درباره... سعید: بله.

سیگل: او در قاهره بود و به نظر من رسید همان گونه که شما اشاره کردید تند و انتقادی بود. سعید: بله.

سیگل: او به این نکته اشاره کرد که اصلاحات سیاسی و اقتصادی که در دهه ۱۹۹۰ جهان را فراگرفت، از جهان عرب غافل شد و دیگر اینکه مسائلی از قبیل بی‌سوادی زنان بزرگسال در کشورهای عربی فراگیر است. اینها تمام مشاهداتی است که هر آمریکایی دانشگاهی یا روزنامه‌نگار می‌تواند از بودن در همین

7. Moammad Asad 8. The Road ti Mecca